

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده زبان و ادبیات فارسی

تحلیل مقالهای علمی - پژوهشی
ادبیات داستانی از سال 1380 تا سال
1390

پایاننامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته
زبان و ادبیات فارسی

استاد راهنما: آقای دکتر شیرزاد طایفی

استاد مشاور: خانم دکتر بتول واعظ

نگارنده: خاتون هاشمی مرفه

شهریور 1392

چکیده :

در دهه‌های اخیر، جامعه ادبی ما شاهد توجه روزافزون جوانان و دوستان ادبیات به مباحث ادبیات داستانی است، که نقدها و مقاله‌های نوشته شده در حوزه ادبیات داستانی، به‌ویژه از نشانه‌های این توجه است که خود حجم گسترده‌ای از مطالب نشریات علمی - پژوهشی را به خود اختصاص داده است. 1390، و مطالعه دقیق متن این مقاله‌ها با تأکید بر موضوعهای

ما در این پژوهش، با تهیه نشریات علمی - پژوهشی و استخراج مقاله‌های مرتبط با ادبیات داستانی مندرج در این نشریه‌ها از 1380 تا 1390، و مطالعه دقیق متن این مقاله‌ها با تأکید بر موضوعهای تخصصی ادبیات داستانی، به طبقه بندی موضوعی و معرفی توصیفی و تا حدی تحلیل این دسته از مقاله‌ها پرداخته‌ایم، که از نتایج و دستاوردهای این تحقیق، علاوه بر آشنایی با شیوه‌های پژوهش علمی در زمینه ادبیات داستانی و شناخت اولویت‌های پژوهشی در این حوزه، میتوان به معرفی موضوعهای محوری در مقاله‌های علمی - پژوهشی مندرج در نشریات مختلف و کمک به پژوهشگران حوزه ادبیات کلاسیک و معاصر، به‌ویژه ادبیات داستانی با تهیه کتابشناسی و فرهنگ‌گونه‌های که نیازهای پژوهشی آنها را برآورده کند، اشاره کرد. امید است که رساله حاضر راهگشای محققین و علاقه‌مندان این حوزه قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: ادبیات داستانی، مقاله، علمی - پژوهشی، توصیف و تحلیل، طبقه‌بندی.

فهرست مطالب

فهرست.....	صفحه
پیشگفتار.....	۶.....
چکیده.....	۷.....
فصل اول: تعاریف و کلیات	
۱- مقدمه.....	۹.....
۱-۱) نقد داستان چیست؟.....	۱۰.....
۲-۱) ویژگیهای نقد ادبی ضعیف.....	۱۱.....
۲- فرضیهها و سؤالهای تحقیق.....	۱۱.....
۳- اهداف تحقیق.....	۱۲.....
۴- روش تحقیق.....	۱۳.....
۵- پیشینه تحقیق.....	۱۳.....
تعاریف و کلیات	
ادبیات داستانی.....	۱۴.....
داستان.....	۱۵.....
انواع داستان.....	۱۶.....
قصه.....	۱۶.....
رمانس.....	۱۶.....

۱۶	رمان
۱۷	انواع رمان
۱۷	داستان کوتاه
۱۸	انواع داستان کوتاه
۱۹	داستان بلند
۱۹	شخصیت
۲۰	شخصیت‌پردازی
۲۰	پیرنگ
۲۱	انواع پیرنگ
۲۱	زاویه دید
۲۲	راوی
۲۳	درونمایه
۲۳	انواع درونمایه
۲۴	زمان و مکان
۲۴	فضا و رنگ
۲۵	گفتوگو در داستان
۲۶	موضوع

فصل دوم: طبقه‌بندی مقاله‌های علمی-پژوهشی ادبیات داستانی ۸۰ تا ۹۰

۲۸.....	مقدمه.....
۳۰.....	مقاله‌های مرتبط با عناصر داستانی.....
۳۴.....	مقاله‌های مرتبط با ادبیات داستانی مقایسه‌ای.....
۳۵.....	مقاله‌های نوشته‌شده بر اساس نقدها و مکاتب معاصر.....
۳۵.....	الف) نقدهای ادبیات داستانی پسامدرن.....
۳۶.....	ب) نقدهای فمینیستی.....
۳۷.....	ج) نقدهای ساختارگرایانه.....
۳۹.....	مقالاتی که به نقد رمان میپردازد.....
۴۱.....	مقاله‌های موضوعات مرتبط با ادبیات داستانی.....
۴۴.....	طبقه‌بندی مقالات بر اساس بسامد بررسی آثار نویسندگان کلاسیک و معاصر.....
۴۴.....	الف) مقالات مرتبط با داستانهای شاهنامه.....
۴۶.....	ب) مقالات مرتبط با داستانهای کلیله و دمنه.....
۴۶.....	ج) مقالات مرتبط با داستانهای «هوشنگ گلشیری».....
۴۷.....	د) مقالات مرتبط با داستانهای «بیژن نجدی».....
	ه) مقالات رمانهای «سووشون»، «کلیدر» و «مدیر
۴۷.....	مدرسه».....

فصل سوم: توصیف و نقد ساختار و محتوای مقاله‌ها

۵۰.....	مقدمه.....
۵۰.....	عنوان.....

۵۰.....	سرفصلها
۵۱.....	نشانگذاری سرفصلها
۵۱	مقدمه
۵۱	متن
۵۱.....	نتایج و پیشنهادها
۵۲.....	خلاصه و چکیده
۵۳	مآخذ متون
۵۳	پانویس یا پانوشت
۵۳	تفاوت پانویس با فهرست مآخذ
۵۴.....	استناد
۵۴	استناد برونمتنی
۵۵	استناد درونمتنی
۵۶	نقطهگذاری (علائم سجاوندی)
۵۶	رسمالخط
۵۶	جدوله
۵۶	نمودار
۵۹	توصیف و نقد ساختار و محتوای مقالهها
۲۳۷	نتیجهگیری
۲۳۹	منابع و مآخذ

پیشگفتار:

در پی جستوجو برای موضوع پایاننامه دوره کارشناسی ارشد و علاقه وافر بنده به پژوهش در حوزه ادبیات داستانی و راهنمایی استادان ارجمندی چون: آقایان دکتر طایفی، دکتر ایرانزاده و دکتر حسنزاده نیری، موضوع این رساله (تحلیل مقاله‌های علمی- پژوهشی ادبیات داستانی 1380 تا 1390) به بنده پیشنهاد شد، که با دلگرمی به استعانت این استادان ارجمند و توکل به خدای منان، کار خود را آغاز کردم.

با توجه به اهمیت داستان‌نویسی از آغاز تا به امروز، و همچنین توجه روزافزون محققین و منتقدین این حوزه به انواع داستانهای نوشته شده به قلم نویسندگان و نقد و تحلیل این داستانها، بهویژه در دوران معاصر در قالب مقاله‌های علمی- پژوهشی، این رساله بر آن است تا پس از بیان کلیات مرتبط با ادبیات داستانی، به طبقه‌بندی، توصیف و تحلیل این مقاله‌ها در دو بخش ساختار و محتوا بپردازد.

در این بخش فرصت را غنیمت می‌شمارم و از تمامی کسانی که مرا در این امر یاری رسانده‌اند، بهویژه آقای دکتر شیرزاد طایفی، به عنوان استاد راهنما و خانم دکتر بتول واعظ، به عنوان استاد مشاور و همچنین همسرم که صبورانه مرا تحمل کردند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

فصل اول : تعاریف و کلیات

1_ مقدمه

رویکرد دقیق و علمی به مقوله‌های مهم ادب فارسی، از ضرورت‌های پژوهش‌های امروزی است. ادبیات کلاسیک و معاصر، بخش مهم و قابل توجهی از فرهنگ و مدنیت یک کشور را تشکیل می‌دهد، و یکی از پایه‌های استوار این حوزه نیز، ادبیات داستانی است. رویکرد علمی به ادبیات داستانی، معمولاً در سطح دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد؛ با تمام این اوصاف، تمام کارهای ارزشمند دروندانشگاهی و برون - دانشگاهی در رویکرد به مقوله ادبیات داستانی، مهم تلقی می‌شود.

یکی از خیزشگاه‌های عمده رویکرد علمی به مقوله ادبیات داستانی، نشریات علمی - پژوهشی است. در رساله حاضر، ما به همین ضرورت پرداخته، و موضوع ادبیات داستانی را در یک دوره معین (1380 - 1390) در نشریات علمی - پژوهشی بررسی کرده، و جایگاه آن را تبیین نموده ایم.

با توجه به اینکه بیشتر مقاله‌های مورد بررسی در این نشریات، دارای نگرشی انتقادی درباره حوزه ادبیات داستانی و انواع داستان‌های نویسندگان آن است، پس از معرفی مختصر مقاله‌های علمی و دانشگاهی، سخن درباره چگونگی نقد داستان، به‌ویژه نقد ساختارگرایانه که حجم گسترده‌ای از این مقاله‌ها را به خود اختصاص می‌دهد و همچنین ویژگی‌های نقد ادبی ضعیف، ضروری مینماید.

مقاله‌های علمی و دانشگاهی، رسمی و جدی‌اند، و از نظر روش و هدف با مقاله‌های عادی متفاوت‌اند و بر اساس روش و نوع دیدگاه و هدفی که دارند ماهیت جداگانه‌ای پیدا می - کنند. مقاله‌هایی که در دانشگاه‌ها نوشته می‌شوند، معمولاً یکی از انواع مقاله‌های دانشنامه‌ای، گزارش پژوهش‌های تجربی و آزمایشگاهی، مروری و مقاله‌های نظری می - باشند. (فتوحی، 1389: 122)

1-1) نقد داستان چیست؟

نقد ادبی دانشی برای بررسی ویژگیها و تفسیر نقاط ضعف و قوت یک اثر ادبی، و تحلیل و ارزیابی آن در کنار تشریح جوانب پیچیده آثار ادبی و روشی برای سنجش اعتبار و مقام آن است، و به کسی که نقد ادبی میداند، منتقد ادبی می گویند.

در نقد ادبی آنچه مهم است، بررسی ابداعات موجود در متن از نظر سبک و ساختار است که برای این منظور باید متن را با متون ادبی نوشته شده در قبل، مقایسه و نوآوری در آن را پیدا کرد.

برای بهتر شدن کیفیت یک نقد ادبی بهتر است صرفاً ویژگیهای یک متن ادبی را در محدوده آن متن بررسی نکرد بلکه آن متن را از نظر فلسفی و روانشناختی با متون دیگر مقایسه کرد که در این صورت نقد ادبی به بررسی دقیقتری تبدیل خواهد شد.

به دلیل توجه خاصی که بسیاری از منتقدین به یکی از انواع نقد، یعنی نقد ساختارگرایانه کردهاند، ضروری است که پیش از ورود به بحث رساله، در این باره نیز مطالبی به اختصار ذکر شود.

نقد ساختارگرایانه یکی از سبکهای هنری است. این سبک در نقد ادبی نقشی مستقل دارد، و دارای رابطه تنگاتنگی با زبانشناسی ساختاری است. این نوع از نقد از سه مرحله استخراج اجزاء ساختار اثر، برقرار ساختن ارتباط موجود بین اجزا و نشان دادن دلالتی که در کلیت ساختار اثر است، تشکیل می شود.

ساختارگرایانی چون تودوروف، پراپ، برمون، گریماس و پیرس الگوهایی جهت بررسی آثار داستانی ارائه دادهاند، که درباره آثار ادبی و متون داستانی به کار

رفته و به مکاشفه طرحها و الگوهای پنهان در این آثار پرداخته‌اند.

1-2) ویژگیهای نقد ادبی ضعیف

لحن سالم نقد، نتیجه سلامت نفس و نیت صدق منتقد است. اغلب رجزخوانیهای نقد ادبی ضعیف و پر سروصدا، ناشی از عجز منتقد در جمع دلایل و شواهد و استدلال قوی، و شامل لحن دشنامآمیز یک نقد به جای سخنان منطقی و غلطگیریهای درست و مستند است. پاینده در کتاب گفتمان نقد میگوید: «جای تأسف بسیار است که در نخستین سالهای قرن بیست و یکم وقتی در کشور ما صحبت از نقد ادبی می‌شود، هنوز اغلب تصور میکنند که منظور یا تحسین کردن نویسنده است یا مذمت او، یا شرح زبان آثار ادبی، یا استفاده از این آثار برای فهم بهتر تاریخ و یا اشاعه اخلاق پسندیده از راه کشف یک پیام اخلاقی در آنها. فقدان جریان جدی و علمی نقد ادبی و اساساً نامربوط تلقی شدن نقد در رشته ادبیات در دانشگاههای ما باعث شده‌است که انبوهی از آثار ارزشمند و کم‌نظیر ادبیات کلاسیک مدرن فارسی به سبب ناآگاهی محققان ما از موازین و نظریهها و روشهای علمی نقد ادبی در هالهای از تحسینگوییها که بر هیچ ملاک نقادانهای نیست، به شکلی سترون (نامربوط با فرهنگ) باقی بماند.» (پاینده، 1390: 11)

2- فرضیهها و سؤالیهای تحقیق:

در این پژوهش سعی کرده‌ایم به این سؤالات پاسخ دهیم:

- 1- آیا بر اساس تحلیل مقالههای مرتبط با ادبیات داستانی منتشر شده در نشریات علمی - پژوهشی، میتوان به جایگاه ادبیات داستانی در سطح دانشگاهها پی برد؟

2- آیا بررسی این مقوله در برهه زمانی خاص (1380- 1390) میتواند به جمع‌بندی نظرات دقیق درباره جایگاه ادبیات داستانی در بین پژوهشگران یاری رساند؟

3- آیا بررسی چنین موضوعی میتواند به تبیین جایگاه بخش مهم ادبیات معاصر ایران کمک کند؟

4- آیا بر اساس یافته‌های این رساله، میتوان به ترسیم دقیق چارچوب مقالات علمی - پژوهشی با موضوع مورد نظر پی برد؟

3- اهداف رساله

با بررسی مقاله‌های علمی - پژوهشی مرتبط با ادبیات داستانی معاصر، میتوان با معیارهای دقیق‌تری به تبیین جایگاه ادبیات معاصر پرداخت. این بررسی گویای بسامد پژوهشگران و چگونگی رویکرد آنها به مقوله ادبیات داستانی است؛ همچنین یافته‌های رساله حاضر، صورت استاندارد مقاله‌های علمی - پژوهشی مرتبط با ادبیات داستانی معاصر را روشن خواهد کرد، که بر اساس این یافته‌ها، دانشجویان و پژوهشگران میتوانند، هم به اطلاعات دقیق و علمی درباره این نوع ادبیات در برهه زمانی خاص دست پیدا کنند، و هم معماران فرهنگی میتوانند با مد نظر قرار دادن آن، به تبیین چگونگی رویکرد پژوهشگران و طیف‌های مختلف فکری به این مقوله دست یابند.

به طور کلی میتوان اهداف فوق را در چهار مورد بیان کرد:

- 1- آشنایی با شیوه‌های پژوهشی علمی - پژوهشی در حوزه ادبیات داستانی.
- 2- شناخت اولویتهای پژوهشی در گستره ادبیات داستانی.
- 3- معرفی موضوعهای محوری در مقاله‌های علمی - پژوهشی مندرج در نشریات مختلف.

4- کمک به پژوهشگران عرصه ادبیات معاصر، بهخصوص ادبیات داستانی با تهیه کتابشناسی و فرهنگ‌گونی‌های که نیازهای پژوهشی آنها را برآورده میکند.

4- روش کار

روش کار در این پژوهش، تهیه نشریه‌های علمی - پژوهشی و استخراج تمام مقالات مرتبط با ادبیات داستانی مندرج در این نشریه‌ها، و تأکید بر موضوعهای تخصصی ادبیات داستانی و طبقه‌بندی موضوعی آنها با معرفی توصیفی - تحلیلی مقاله‌ها است.

5- پیشینه تحقیق

جستوجوها نشان می‌دهد که گرچه تاکنون پژوهشی با این عنوان و بدین شیوه شکل نگرفته‌است اما پژوهش‌های صورت پذیرفته در حوزه تاریخ مطبوعات ایران همچون پژوهش آقای کاظم سادات اشکوری با نام «نگاهی به نشریات گهگاهی» (1332-1357) و پژوهش آقای مسعودبرزین با نام «شناسنامه مطبوعات ایران» و همچنین پژوهش‌های دیگری از محمدمحیط طباطبایی و فرید قاسمی در این باره، نمونه‌های خوبی برای موضوع این رساله محسوب میشوند.

تعاریف و کلیات:

پیش از آغاز بحث این پژوهش ضروری است کلیاتی در این باب از جمله تعاریفی درباره ادبیات داستانی، داستان و عناصر آن و... از منابعی معتبر ذکر شود.

ادبیات داستانی

ادبیات داستانی شکلی از روایت است که در همه یا بخشی از آن به رویدادهایی اشاره میشود که واقعی نیستند، یعنی خیالیاند و ساخته ذهن نویسنده اثر. در مقابل آن ادبیات غیر داستانی قرار دارد، که عمدتاً به رویدادهای واقعی می-پردازد (نظیر تاریخنگاری، زندگینامه نویسی و...). «موضوعات مورد توجه ادبیات داستانی معمولاً تخیلی و ساخته و پرداخته ذهنی خلاق است؛ اما چنانچه درونمایه قالب ادبی از حقایق تاریخی یا واقعیت‌های دیگر مایه گرفته باشد، معمولاً آن را با عناوین «داستانی تاریخی» یا «زندگینامه داستانی» و عباراتی نظیر اینها مشخص میکنند.» (داد، 1390: 24)

اقسام شمول ادبیات داستانی نزد ملل گوناگون متفاوت است. در ادبیات فارسی، حکایت هم میتواند جزء ادبیات داستانی به شمار می‌آید و در ادب اروپایی، ادبیات داستانی، فقط شامل قالب‌های خاص داستانی با مبنایی جدید است. «ادبیات داستانی شامل قصه، رمان، رمانس، داستان کوتاه و آثار وابسته به آنهاست و انواع ادبی یونان باستان یعنی آثار حماسی، غنایی، نمایشی و تعلیمی را در بر نمی‌گیرد.» (میرصادقی، 1390: 21)

داستان

واژه داستان در زبان فارسی به معنی قصه، حکایت، افسانه و سرگذشت به کار رفته است و در ادبیات، اصطلاحی عام به شمار می‌آید که از یکسو شامل صور متنوع قصه می‌شود و از سوی دیگر انشعابات مختلف ادبیات داستانی از قبیل داستان کوتاه، رمان، داستان بلند و دیگر اقسام این شاخه از ادبیات خلاق را در بر می‌گیرد... به معنی خاص، داستان نقل و احوال است که به نحوی تابع توالی زمان باشد. داستان حداقل باید از سه واقعه تشکیل شود و زمان و وضوح این حوادث نیز با یکدیگر متفاوت باشد. رابطه وقایع داستان با یکدیگر از کیفیت علت و معلولی برخوردار است... همین کیفیت زمانی و رابطه علت و معلولی میان این سه واقعه بنیاد داستان را پیریزی میکند. (داد، 1390: 312-313).

«داستان» تصویری است عینی از چشمانداز و برداشت نویسنده از زندگی. هر نویسنده «فکر و اندیشه» معینی درباره زندگی دارد یا نحوه برخوردش با زندگی، فلسفه زندگی او را مجسم می‌کند. در ضمن هر نویسنده چون هر کس دیگر «احساس» به خصوصی از زندگی دارد و این «احساس» صمیمانه با «فکر و اندیشه» او در ارتباط است؛ در واقع افکار و اندیشه‌ها را نمیتوان از احساسات و عواطف جدا کرد. این افکار و احساسات گامی به هم آمیخته و پیوسته اند و گاه در برابر هم قرار می‌گیرند. از این رو ممکن است نویسندگانی قادر نباشد احساسات خود را با افکاری که برایش مهم است، مرتبط کند؛ اما میتواند این احساسات را در تخیل «شخصیتها» و «عمل یا عمل داستانی» تشریح و تجربه کند، و همین داستان را می‌آفریند. بنابراین: داستان نمایش کوششی است که سازگاری افکار و عواطف را موجب می‌شود. (میرصادقی، 1390: 31)

انواع داستان

قصه

- معمولاً به آثاری که در آن تأکید بر حوادث خارق‌العاده
- بیشتر از تحوّل و تکوین آدمها و شخصیتهاست قصه می گویند...
 - قصهها، اغلب پایان خوشی دارند و در آنها خوبی ها بر بدیها پیروز میشوند... منظور از قصه، همه آثار خلاقهای است که پیش از مشروطیت با عنوانهای «حکایت»، «افسانه»، «سرگذشت»، «اسطوره» و... در متنهای ادبی گذشته آمده است و تعریفی که از قصه داده شد، شامل همه این انواع میشود و همه واجد این سه خصوصیت عمده هستند: خرق عادت، پیرنگ ضعیف و کلیگرایی. (همان: 22)

رمانس

رمانس قصه خیالی منثور یا منظومی است، که به وقایع غیرعادی یا شگفتانگیز توجه کند، و ماجراهای عجیب و غریب و عشقبازیهای اغراقآمیز یا اعمال سلحشورانه را به نمایش گذارد. (همان)

رمان

- رمان (novel) متنی روایتگر داستانی است که در قالب نثر نوشته میشود که مهمترین و معروفترین شکل تبلور یافته ادبی روزگار ما به شمار میآید. معمولاً گفته میشود، رمان با «دن کیشوت» اثر سروانتس (نویسنده اسپانیایی) تولد یافت، و با رمان «شاهزاده خانم کلو» اثر مادام دولافایت و رمانهای آلن رنه لوساژ با اثر مشهورش «ژیل بلاس» پی ریزی شد. ویلیام هزلیت، منتقد و مقالهنویس انگلیسی در قرن نوزدهم، رمان را چنین تعریف کرده است: «رمان داستانی است که براساس تقلیدی نزدیک به واقعیت، از آدمی و عادات و حالات بشری نوشته شده باشد و به نحوی از آنجا شالوده جامع را در خود تصویر و منعکس کند». (برگرفته از tehrooz)

با دقت در این تعریف میتوان گفت که بیشتر تعریفی کلی است، که داستان کوتاه را نیز در بر میگیرد و بیشتر بر رمانهای واقعگرا قابل تطبیق است؛ در حالی که تعریفهای دیگر هر کدام بر نوعی از رمان قابل تطبیق است و بر نوع دیگر صدق نمیکند.

انواع رمان

به طور کلی «رمان» با توجه به موضوع و درونمایه آن انواعی دارد که در این جا تنها به نام هر یک از این نوع اشاره میکنیم: رمان اجتماعی، احساساتی، پلیسی، پیکارسک، تاریخی، تجربی، رشد و کمال، حادثه، روانکاوانه یا جریان سیال ذهن، روانی، رفتار و رسوم اجتماعی، روستایی یا شبانی، رمان زمین، مسئله اجتماعی، شخصیت، ضد رمان، عاشقانه پر ماجرا، تبلیغی، کلید دار، کاتیک (یا دلهره - آور) هستند، مکاتبهای، محلی و نو. (سلیمانی، 1369: 7)

داستان کوتاه

شاخهای از ادبیات داستانی منثور است که به طور تقریب یکصد و پنجاه سال از بدو پیدایش آن در جهان میگذرد. برای داستان کوتاه، تعاریف بسیاری ارائه شده است که هر یک بر ویژگی های خاصی تأکید میورزند و هر یک فقط بر تعدادی از این گونه داستانها صدق میکند؛ زیرا نویسندگان مختلف نشان دادهاند که این قالب داستانی (داستان) از قابلیت های نامحدودی برخوردار است. با این حال از مجموع تعاریف موجود، میتوان ویژگیهای داستان کوتاه را بدین شرح برشمرد: داستان یگانهای استوار است که در نهایت به تأثیری یگانه منجر میشود... در داستان کوتاه، شخصیت آدم - ها معمولاً پیش از آغاز داستان تکوین یافته است؛ داستان فقط آنها را در برهه خاصی از زندگی و تجربیات عاطفی قرار میدهد، و بازگو کننده این برهه است.

داستان کوتاه، معمولاً از یک هزار و پانصد تا پانزده هزار کلمه را در بر میگیرد. ویژگیهای ذکر شده در مورد همه داستانهای کوتاه صدق نمی کنند؛ زیرا به عنوان مثال

ارنست همینگوی و جیمز جویس با آثار خود، معیارهای تازه -
ای برای داستان کوتاه خلق کرده‌اند. (داد، 1390: 215-
216)

انواع داستان کوتاه

- داستان‌هایی که حادثه‌پردازانه است، و گاهی پایان شگفت -
انگیزی دارد، و لطیفه‌وار است و از آنها به عنوان داستان-
هایی پیرنگی یاد میکنند.

- داستان‌هایی که برشی از زندگی است، و لحظه‌ها و وضعیت‌ها
و موقعیت‌های نمونه‌های شخصیت داستان را تصویر میکند؛ به
طوری که خواننده به خصلت و کیفیت زندگی نوعی این شخصیت
پی می‌برد.

- داستان‌هایی که نمادین و تمثیلی است.

- داستان‌هایی که ضبط ساده‌های است از روایتی گفتار گونه و
در طی داستان، خصوصیات اخلاقی و روانی شخصیت‌هایی تصویر
میشود، و به اصطلاح «داستان‌نویسی» را به وجود می‌آورد.

- داستان‌هایی که در پایان به لحظه‌های کشنده می‌شود، و
این لحظه ناگهان مفهوم همه داستان را آشکار میکند و یکی
از شخصیت‌های داستان، معرفت و ادراکی نسبت به حقایق امور
اطراف خود پیدا میکند، و این ادراک و معرفت بر بینش و
جهانبینی او تأثیر می‌گذارد. به این لحظه، مکاشفه «تجلی»
یا «ظهور» می‌گویند.

- داستان‌هایی که روایت ساده و بی‌آرایی از عملی است که
هنرمندانه ساخته شده باشند، و در پس ظاهر آن مفهوم جنبی
دیگری نهفته باشد.

- داستان‌هایی که برشی از زندگی نیست، و اغلب ترکیبی از
داستان کوتاه و مقاله است و بر شخصیت تأکید نمی‌شود و
فضا و رنگ و طراحی داستان، شخصیت‌ها را تحت الشعاع قرار
داده و داستان کوتاه از پیرنگ‌های متعدد و مجزا شکل می -
گیرد. (میرصادقی، 1390: 26-28)

داستان بلند

نوعی داستان است که از داستان کوتاه طولانیتر و از رمان کوتاهتر است. اغلب آن را با «ناولت» و رمان کوتاه یکی دانسته‌اند. داستان بلند، خصوصیات و کیفیات داستان کوتاه و رمان را توأمان داراست. داستان بلند از حیث تکوین شخصیتها (شخصیت) در جریان داستان به رمان نزدیک میشود؛ اما حدود این تکوین شخصیت و پرورش مضمون در داستان بلند بر حادثه‌های واحد به هم پیوسته استوار است و اغلب بعد زمانی کوتاهتری دارد؛ گاهی نیز تأثیر واحدی را القا می‌کند. داستان بلند، حاصل وصلتی میان رمان و داستان کوتاه است. (داد، 1390: 212)

آنچه گفته شد، خلاصه‌های بود از انواع و گونه‌هایی که تحت عنوان عام داستان شناخته میشوند؛ اما هر داستانی متشکل از عناصر و اجزایی است که ساختمان آن را تشکیل میدهد. مهمترین عناصر تشکیل دهنده یک داستان عبارتند از شخصیت، شخصیتپردازی، پیرنگ، زاویه دید، درونمایه، موضوع، زمان، مکان و فضا و رنگ، که به ترتیب به شرح هر یک از این عناصر می‌پردازیم.

شخصیت

در ادبیات، شخصیت، فرد ساخته شده‌ای است که مانند اشخاص حقیقی از ویژگی‌هایی برخوردار است، و با این ویژگیها در داستان و نمایش ظاهر میشود. اعمال و گفتاری که از اشخاص داستان سر میزند باید به گونه‌های با خصایص و ویژگیهای خاص آنان هماهنگی و ارتباط داشته باشد؛ به عنوان مثال اگر شخصی دست به دزدی میزند، این عمل او باید انگیزه‌های داشته باشد، که متناسب با روحيات خصوصیات آن شخص باشد. (داد، 1390، 301)

شخصیت در میان عناصر داستانی، نقش کلیدی و اساسی دارد. نگاه بر اهمیتی که به آن داده می‌شود، نوع خاصی از رمان